**نام مقاله: نگاهي نوين به تقسيم بندي داستان هاي واقعي در ادبيات كودكان و نوجوانان**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 28 \_ شماره چهارم،جلد 7**

**پديدآور: دكتر مرتضي كوكبي**

**مترجم:**

**چكيده**

**كتاب «گذري در ادبيات كودكان» از جمله كتاب‌هايي است كه مفاهيم پايه در ادبيات كودكان و نوجوانان را به‌گونه‌اي جامع مورد بررسي قرار داده است. اين كتاب حد‌ّاقل پنج بار تجديد چاپ شده و چارچوب كتابي را به نام «ادبيات كودكان: ويژگي‌ها و جنبه‌ها» نيز تشكيل داده كه در سال 1374 براي نخستين بار چاپ شد و تا سال 1382 به چاپ ششم نيز رسيده است. نوشتة زير در پي طرح اين پرسش است كه آيا تقسيم‌بندي مورد استفاده براي داستان‌هاي واقعي در كتاب «گذري در ادبيات كودكان» و به دنبال آن، در كتاب «ادبيات كودكان و نوجوانان، ويژگي‌ها و جنبه‌ها» به اندازة لازم، دقيق هست و اگر نيست چه تقسيم‌بندي ديگري بهتر است جايگزين آن شود. به همين منظور، نخست گروه‌هاي موضوعي بررسي مي‌گردند و آن‌گاه، طبقه‌بندي نويني براي گروه‌بندي داستان‌هاي واقعي پيشنهاد مي‌شود.**

**كليدواژه‌ها: ادبيات كودكان و نوجوانان، داستان‌هاي واقعي، رده‌بندي**

**مقدمه**

**كتاب «گذري در ادبيات كودكان» (ايمن (آهي)، خمارلو (ميرهادي)، و دولت‌آبادي، 1352) از جمله كتاب‌هايي است كه مفاهيم پايه در ادبيات كودكان و نوجوانان را به‌گونه‌اي جامع مورد بررسي قرار داده است. اين كتاب حداقل پنج بار تجديد چاپ شده و چارچوب كتابي را به نام «ادبيات كودكان: ويژگي‌ها و جنبه‌ها» (حجازي (فراهاني)، 1374) نيز تشكيل داده كه در سال 1374 براي نخستين بار به چاپ رسيد و اكنون به چاپ ششم (1382) نيز رسيده است. بخش‌هايي از كتاب «گذري در ادبيات كودكان» در آثار جديدتر نيز ديده مي‌شوند. به نظر مي‌رسد كه هر دو كتاب در زمان خود، متن درسي درس «مواد و خدمات كتابخانه‌ براي كودكان و نوجوانان» يا دروس مشابه را تشكيل مي‌داده‌اند. كتاب دوم، حداقل به اين دليل كه كتاب اول ديگر در بازار موجود نيست، بيشتر از آن مورد استفاده قرار مي‌گيرد. رسيدن كتاب دوم به چاپ ششم نيز نشان از ميزان استقبالي دارد كه كتاب با آن روبه‌رو بوده.**

**يكي از فصل‌هاي هر دو كتاب، فصلي است كه در آن، انواع ادبيات كودكان و نوجوانان مورد بررسي قرار مي‌گيرد. در اين فصل، بخشي به «داستان‌هاي واقعي» اختصاص داده شده كه در هر دو كتاب، دربارة اهميت آن چنين آمده:**

**«داستان واقعي داستاني است كه گرچه اغلب مخلوق تخيل زنده و بيدار نويسنده است ولي در اجزاي متشكلة آن و در سير ماجرا چيزي وجود ندارد كه وقوع آن را غيرممكن سازد. نويسنده از زندگي و ماجراهاي گوناگون آن الهام مي‌گيرد و داستاني مي‌آفريند كه گرچه ممكن است عيناً اتفاق نيفتاده باشد ولي بدون شك امكان وقوع آن بسيار است. اطفال از سنين خردي با اين داستان‌ها آشنا مي‌شوند زيرا كودكان قبل از سنين دبستان بجز دنيايي كه مي‌بينند چيز ديگري را نمي‌شناسند و هرچه در آن هست براي آنان جالب توجه است. به همين دليل اولين داستان‌هايي كه براي آنان گفته مي‌شود بهتر است دربارة واقعيات زندگي و محيط آنان باشد. گرچه در حدود هشت، نه سالگي اغلب خردسالان به افسانه‌ها دل مي‌بندند ولي بعد خيلي زود، بار ديگر به داستان‌هاي واقعي رو مي‌آورند و اين بار براي هميشه به آن وفادار مي‌مانند» (حجازي (فراهاني)، 1374 ص. 135-134).**

**در كتاب «گذري در ادبيات كودكان» دربارة تقسيم‌بندي داستان‌ها نوشته شده كه: «داستان‌ها كه نوع وسيعي از ادبيات كودكان و نوجوانان هستند، خود از لحاظ موضوع و طريقة پروراندن آن به چند دسته تقسيم مي‌شوند و شناختن دقيق هر يك از آن‌ها براي كساني كه وظيفه‌دار راهنمايي نوباوگان هستند بسيار ضروري است» (ص. 60-59). از عبارت بالا اين نكته برداشت مي‌شود كه شناختن دقيق هر يك از انواع داستان‌هاي مورد استفاده براي كودكان و نوجوانان ضروري است. در ادامة اين بررسي در كتاب «گذري در ادبيات كودكان»، داستان‌ها نخست به دو گروه «داستان‌هاي واقعي» و «افسانه‌ها» تقسيم و سپس، هر يك به انواع مختلفي طبقه‌بندي مي‌شوند. آن چه كه در زير مي‌آيد در پي طرح اين پرسش است كه آيا تقسيم‌بندي مورد استفاده در كتاب «گذري در ادبيات كودكان» و به دنبال آن، در كتاب «ادبيات كودكان و نوجوانان، ويژگي‌ها و جنبه‌ها» آن‌گونه كه بايد، دقيق است، و اگر نيست چه تقسيم‌بندي ديگري بهتر است جايگزين آن شود؟**

**به همين منظور، نخست گروه‌هاي موضوعي ارائه‌شده در دو كتاب با استفاده از تعاريفي كه در دو كتاب داده شده، معرفي مي‌گردند و سپس، ميزان همپوشاني احتمالي اين گروه‌هاي موضوعي بررسي و آن‌گاه طبقه‌بندي نويني براي گروه‌بندي داستان‌هاي واقعي پيشنهاد مي‌شود.**

**اما پيش از انجام اين عمل، ذكر يك نكته ضروري به نظر مي‌رسد. درس «مواد و خدمات كتابخانه براي كودكان ونوجوانان» درسي است كه عمدتاً هم با ادبيات و هم با روانشناسي كودك و نوجوان سروكار دارد- ضمن اين‌كه از حوزه‌هاي ديگر مانند نقاشي، صفحه‌پردازي و غيره نيز بي‌نياز نيست. اين دو حوزه، مشمول همان دشواري مي‌شوند كه در حوزه‌هاي علوم انساني و اجتماعي وجود دارد؛ يعني تعريف‌ناپذيري مفاهيم. همان‌گونه كه در ادبيات نمي‌توان تفاوت ميان مثلاً حماسه و اسطوره را بطور دقيق نشان داد يا در روانشناسي، تفاوت ميان برخي مفاهيم چندان روشن نيست، در درس «مواد و خدمات كتابخانه براي كودكان و نوجوانان» نيز نمي‌توان تفاوتي دقيق ميان مثلاً يك داستان ماجرايي و يك داستان تاريخي نشان داد. اصولاً هنگامي كه دربارة داستان‌هاي واقعي مبتني بر وقايع تاريخي گذشته يا شخصيت‌هاي معروف تاريخي صحبت مي‌شود، نمي‌توان بسادگي پرسيد كه كدام شخصيت مشهور است و كدام نيست. معيارهاي تعيين شهرت يك شخصيت كدام‌اند؟ يا حتي مي‌توان از اين پيشتر هم رفت و پرسيد كدام رخداد يا شخصيت از چه زماني به تاريخ مي‌‌پيوندد؟ اصولاً تاريخ كه نمايندة گذشته است از چه زماني شروع مي‌‌شود؟ آيا رخدادي كه ديروز به وقوع پيوسته، رخدادي تاريخي است؟ هنگامي كه دربارة يك داستان ماجرايي گفته مي‌شود داستاني است كه ماجرايي پرنشيب و فراز در آن جريان دارد، بسادگي مي‌توان پرسيد كه سرعت ماجرا چه اندازه بايد باشد تا يك داستان تاريخي، ماجرايي قلمداد شود. هنگامي كه گفته مي‌شود داستان ماجرايي مي‌تواند زمينة تاريخي داشته باشد و سپس داستان‌هاي تاريخي به عنوان نوعي ديگر از داستان‌هاي واقعي مطرح مي‌شوند، اين پرسش پيش مي‌آيد كه تفاوت دقيق ميان يك داستان ماجرايي تاريخي و يك داستان تاريخي در چيست. آن چه كه در زير مي‌آيد با توجه به اين نكات است و در اين‌جا تلاش مي‌شود با عنايت به اين دشواري، طبقه‌بندي دقيقتري از داستان‌هاي واقعي ارائه شود.**

**انواع داستان‌هاي واقعي**

**داستان‌هايي از صحنه‌هاي مختلف زندگي اطفال**

**«در داستان‌ها حوادث زندگي بچه‌ها به صورت جالبي نقل مي‌شوند، مانند به دنيا آمدن خواهر يا برادري تازه، يا گم‌شدن طفلي هنگام گردش، يا چشم و همچشمي اطفال با يكديگر، يا ماجراي رفاقت‌هاي اطفال يك محله و غيره... اين داستان‌ها وقتي كه دربارة مشكلات و مسائل زندگي روزمرة بچه‌ها هستند بطور غيرمستقيم به قدرت خواننده در برخورد با انواع مسائل در زندگي واقعي مي‌افزايند». مشاهده مي‌شود آن چه كه در اين داستان‌ها مورد توجه است حوادث يا به عبارتي، ماجرا است.**

**داستان‌هاي حيواني**

**«حيوانات در صحنة داستان‌هاي واقعي بازيگران ماهر و محبوبي هستند. در اين داستان‌ها حيوانات احساسات انساني ندارند و به زبان ما سخن نمي‌گويند. در داستان‌هاي واقعي حيواني، زندگي سگ به عنوان يك سگ تربيت شده يا نشده، در طبيعت و در تماس با انسان نقل مي‌شود. نويسنده قدم به قدم به دنياي قهرمان‌ها مي‌رود و هرچه را قابل اتفاق‌افتادن است، بازگو مي‌كند. دربارة اينكه اين حيوانات چه فكر مي‌كنند يا با هم چه مي‌گويند كلمه‌اي صحبت نمي‌شود، زيرا در آن صورت كتاب از شكل خود كه داستان واقعي است خارج مي‌شود». اگر اين تعريف پذيرفته شوند، ملاحظه مي‌شود كه در اين‌گونه داستان‌ها اگر چه ماجرا مهم است، اما آن چه اين گروه از داستان‌ها را از گروه پيشين جدا مي‌سازد شخصيت حيواني قهرمان داستان است.**

**داستان‌هاي ماجرايي**

**«اين دسته، داستان‌هايي هستند كه در آن‌ها ماجرايي تند و پرنشيب و فراز نقل مي‌شود. داستاني كه هنگام خواندن آن ضربان قلب طفل و نوجوان سرعت بيشتري پيدا مي‌كند... داستان‌هاي ماجرايي نمي‌توانند زمينة تاريخي داشته باشند... در اين‌گونه داستان‌ها از تاريخ فقط به عنوان زمينه استفاده شده است، به اين معني كه داستان اگرچه ساخته و پرداختة ذهن نويسنده است، ولي در زمان و مكان معين و شناخته‌شده‌اي روي مي‌دهد... داستان‌هاي پليسي نيز نوعي از داستان‌هاي ماجرايي واقعي هستند». آنچه از تعريف فوق برمي‌آيد سرعت ماجرا در اين‌گونه داستان‌هاي واقعي از سرعت داستان‌هاي واقعي ديگر بيشتر است، اما اين سرعت را چگونه مي‌توان اندازه گرفت تا بتوان يك داستان ماجرايي تاريخي را از يك داستان واقعي تاريخي تشخيص داد؟- اين پرسشي در خور تعم‍ّق است. از سوي ديگر، با توجه به اين كه در دو گروه پيشين نيز ماجرا نقش مهمي داشت، تشخيص تفاوت ميان اين گروه از داستان‌ها با داستان‌هايي از زندگي روزمرة اطفال يا داستان‌هاي حيواني، كار چندان ساده‌اي نيست. تنها مي‌توان اشاره كرد كه در داستان‌هاي حيواني، شخصيت‌(هاي) اصلي، حيوان است (هستند).**

**داستان‌هاي تاريخي**

**«اين دسته داستان‌هايي هستند واقعي كه در آن‌ها شخصيت‌هاي شناخته‌شدة تاريخي و وقايع بزرگ و مهم گذشته نقش اصلي را ايفا مي‌كنند. بديهي است كه در اين‌گونه داستان‌ها شخصيت‌ها و وقايع غيرحقيقي نيز زياد به كار گرفته مي‌شوند، ولي چنان ماهرانه و با دقت كه خواننده به تخيلي‌بودن آن‌ها به ندرت پي مي‌برد». در كتاب «ادبيات كودكان و نوجوانان: ويژگي‌ها و جنبه‌ها» دربارة داستان‌ واقعي تاريخي اين گونه نوشته‌‌ شده: «داستان‌هاي تاريخي دو نوع‌اند: ممكن است نويسنده، خود، داستان را طرح كند و شخصيت‌ها را بسازد، يا اينكه از موضوع‌ها و شخصيت‌هاي واقعي تاريخي در داستان استفاده كند. در نوع اول نويسنده جايي را در تاريخ براي حوادث خود پيدا مي‌كند و البته در اين مورد هدف او فقط خلق داستاني است پرماجرا كه در گذشته اتفاق افتاده است» (حجازي (فراهاني)، 1374، ص. 139). به اين ترتيب، دو گروه داستان واقعي تاريخي مي‌توان تشخيص داد: داستان‌هايي كه در آن‌ها، شخصيت‌هاي شناخته‌شدة تاريخي نقش اصلي را بازي مي‌كنند، و داستان‌هايي كه در آن‌ها، وقايع بزرگ و مهم گذشته، نقش دارند. در اين‌جا اگر بپذيريم كه تفاوتي ميان اين دو گروه از داستان‌ها وجود دارد و فراموش كنيم كه شخصيت‌هاي شناخته شدة تاريخي معمولاً به اين دليل شناخته‌شده انگاشته مي‌شوند كه يا خود، ماجرايي را به وجود مي‌آورند يا در آن ماجرا نقش دارند، باز هم ناچاريم اذعان كنيم كه حد‌ّاقل در يكي از اين گروه‌ها، يعني گروهي كه در آن، وقايع بزرگ و مهم گذشته نقش اصلي را ايفا مي‌كنند، ماجرا نقش دارد. نكتة ديگري كه در تعاريف فوق از داستان واقعي تاريخي مشاهده مي‌شود تفاوت ميان يك داستان واقعي ماجرايي تاريخي و يك داستان واقعي تاريخي از نظر سرعت پيشروي ماجرا است. اما در تعريف فوق از داستان تاريخي، در كتاب «ادبيات كودكان و نوجوانان: ويژگي‌ها و جنبه‌ها» قصد نويسندة داستان تاريخي، خلق داستاني پرماجرا نيز عنوان شده است. پرسشي كه در اين‌جا مطرح مي‌شود اين است كه آيا براستي تفاوتي ميان يك داستان ماجرايي تاريخي و يك داستان تاريخي وجود دارد؟**

**داستان‌هاي فكاهي و طنزآميز**

**«اين داستان‌ها مسائل زندگي روزمره را با ديدي خاص و با شوخ‌طبعي مورد بحث قرار مي‌دهند... داستان‌هاي فكاهي خوب به اطفال و نوآموزان ياد مي‌‌دهند كه از خفيف‌كردن و زجردادن و مسخره‌كردن ديگران لذت نبرند و به آن‌ها نخندند. بلكه خندة آن‌ها بيشتر به موقعيت‌ها و حوادثي باشد كه خنده‌دار است». به اين ترتيب مشاهده مي‌شود كه در اين نوع داستان‌ها نيز موقعيت‌ها و حوادث يا به عبارتي، ماجرا مهم است؛ اما نگرش خاصي نيز مطرح است كه با آن، ماجرا مورد بررسي قرار مي‌گيرد.**

**داستان‌هاي عاشقانه**

**«داستان‌هاي عاشقانة واقعي خوب، داستان‌هايي هستند كه بدون پرداختن به صحنه‌هاي عشق‌بازي شهوت‌انگيز، كه در زندگي نوجوان بسيار كمياب است، به وصف احساس بين پسر و دختر جوان مي‌پردازد [مي‌پردازند] و از دوستي آن‌ها و جنبه‌هاي مثبت اين دوستي صحبت مي‌كند [مي‌كنند]... پايان داستان عاشقانة خوب براي نوجانان بندرت به ازدواج يا مرگ مي‌كشد، بلكه سيري طبيعي پيدا مي‌كند. مثلاً سفر يا تمام‌شدن تابستان يا تغيير منزل، به احساس پايان مي‌بخشد و فقط خاطره‌اي باقي مي‌گذارد كه در تربيت عاطفي فرد، نقش غني‌كننده و سازنده[‌اي] دارد». در اين نوع داستان‌ها نيز، ماجرا، اگر عامل تعيين‌كننده نباشد نقش عمده‌اي دارد.**

**ملاحظه مي‌شود كه در تقسيم‌بندي بالا اگرچه ماجرا تقريباً در همة انواع داستان‌ها مشترك است، اما نمي‌توان برمبناي ماجرا داستان‌هاي واقعي را تقسيم‌بندي كرد. در بسياري از انواع داستان‌هاي بالا، ماجراها بسيار نزديك به هم هستند، به‌گونه‌اي كه به سختي مي‌توان تفاوتي ميان آن‌ها تميز داد. از سوي ديگر، در برخي از داستان‌ها نوع شخصيت نيز مؤثر است. مثلاً در داستان‌هاي حيواني، شخصيت غيرانساني وجود دارد؛ يا در داستان‌هاي تاريخي، شخصيت بايد شناخته شده باشد. در مواردي، نگرش نيز در داستان‌ها تفاوت ايجاد مي‌كند، مانند داستان‌هاي فكاهي و طنزآميز كه در آن‌ها نوع نگريستن نويسنده به ماجرا با داستان‌هاي ديگر متفاوت است. نمودار زير ميزان تداخل و همپوشاني انواع داستان‌هايي را كه بر طبق تقسيم‌بندي بالا دسته‌بندي مي‌شوند نشان مي‌دهد.**

**داستان‌هاي حيواني داستان‌هاي عاشقانه**

**داستان‌هايي از صحنه‌هاي مختلف زندگي اطفال**

**داستان‌هاي پليسي**

**داستان‌هاي ماجرايي**

**زمينة تاريخي**

**داستان‌هاي تاريخي داستان‌هاي فكاهي و طنزآميز**

**نمودار1. تقسيم‌بندي متعارف در داستانهاي كودكان و نوجوانان**

**به اين ترتيب مشاهده مي‌شود كه تقسيم‌بندي بالا نمي‌تواند تقسيم‌بندي دقيقي تلق‍ّي شود و بايد به نوعي تقسيم‌بندي ديگر دست زد.**

**تقسيم‌بندي پيشنهادي براي داستان‌هاي واقعي**

**با توجه به آن‌چه كه در بالا آمد تقسيم‌بندي ديگري در اين نوشته پيشنهاد مي‌شود. در اين تقسيم‌بندي، نخست داستان‌ها برمبناي شخصيت‌ها به دو گروه تقسيم مي‌شوند: گروه اول داستان‌هايي كه در آن‌ها، شخصيت اول، كودك يا نوجوان است. اين گروه در واقع شامل تمام داستان‌هايي مي‌شود كه در بالا با نام «داستان‌هايي از صحنه‌هاي مختلف زندگي اطفال» معر‍‌ّفي شدند. گروه دوم، داستان‌هايي‌اند كه شخصيت اول آن‌ها، غير كودك يا نوجوان است. اين شخصيت غير كودك يا نوجوان، مي‌تواند حيوان يا شخصيتي بزرگسال باشد. در اين گروه دوم، شخصيت‌هاي غيرحيواني را مي‌توان در سه گروه داستان جاي داد: داستان‌هاي حيواني، داستان‌هاي تاريخي كه در آن‌ها شخصيت‌هاي شناخته‌شدة تاريخي و غيركودك و نوجوان نقش بازي مي‌كنند، و داستان‌هاي پليسي. اين سه گروه اخير را مي‌توان از نظر نگرش به دو گروه طنز‌آميز و جدي تقسيم نمود.**

**گروه اول، يعني گروهي را كه داراي شخصيت‌هاي كودك يا نوجوان است مي‌توان به دو گروه زماني «گذشته» و «حال» تقسيم نمود. در گروه زماني گذشته كه در آن، شخصيت‌هاي تاريخي كودك يا نوجوان ايفاي نقش مي‌كنند باز هم نگرش‌هاي «طنزآميز» و «جد‌ّي» را مي‌توان براي تقسيم‌بندي مرحلة بعد به كار برد. گروه زماني «حال» را نيز مي‌توان نخست به «نگرش طنزآميز» كه در آن، داستان‌هاي فكاهي و طنزآميز قرار مي‌گيرند، و «نگرش جد‌ّي» طبقه‌بندي نمود. در نگرش جدي گروه زماني «حال»، دو گروه شخصيت مي‌توان قرار داد: كودكان و/ يا نوجوانان كه شامل دو گروه كودكان و/ يا نوجوانان معلول مي‌شود و داستان‌هاي پليسي، ماجرايي و غيره‌اي كه طبيعتاً شخصيت‌هاي اول آن، كودكان و/ يا نوجوانان هستند. گروه شخصيتي دوم، تنها نوجوانان هستند كه معمولاً داستان‌هاي عاشقانه را پديد مي‌آورند.**

**در اين‌جا لازم به ذكر است كه اين تقسيم‌بندي، اگرچه دقيق‌تر از تقسيم‌بندي پيشين به نظر مي‌رسد، اما بنا به دلايلي كه در بالا ذكر شد (يعني ماهيت ادبيات و هنر و اصولاً علوم انساني) نمي‌تواند بدون همپوشاني اندك باشد. مثلاً امكان دارد داستاني عاشقانه با نگرشي طنزآميز بيان شود يا حتي داستاني پليسي، ماجرايي و غيره نيز نگرشي طنزآميز داشته باشد. مسئلة تفاوت ميان زمان گذشته و حال نيز در اين‌جا به جاي خود باقي است. از چه زماني به قبل، يك داستان در زمان حال رخ مي‌دهد كه بعد از آن زمان، آن را تاريخي بدانيم؟ و آيا امكان ندارد داستاني ماجرايي، با نگرشي طنزآميز يك عشق را نيز در درون خود بررسي نمايد؟ اگر يك داستان عاشقانة طنزآميز را نقطه‌اي در پيوستاري كه يكي از دو سر آن عشق و سر ديگر آن، طنز است در نظر بگيريم، چگونه مي‌توان تعيين كرد كه اين داستان‌ به عنوان نقطه‌اي در اين پيوستار، در كجاي آن قرار دارد و از نقطه مياني، بيشتر به سوي انتهاي طنز گرايش دارد يا انتهاي عشق.**

**نتيجه‌گيري و پيشنهاد**

**آن‌چه كه در بالا ارائه شد پيشنهاد جايگزيني تقسيم‌بندي نويني به جاي تقسيم‌بندي كنوني داستان‌هاي واقعي است كه اكنون در درس«مواد و خدمات كتابخانه براي كودكان و نوجوانان» به كار مي‌رود. اين تقسيم‌بندي اگرچه به دلايلي كه در بالا ذكر شد نمي‌تواند ماهيتاً تقسيم‌بندي دقيقي از نوع تقسيم‌بندي‌هاي مورد استفاده در علوم تجربي باشد، اما از تقسيم‌بندي كنوني دقيقتر است و مزايايي نيز دارد. يكي از مزاياي اين طبقه‌بندي نوين اين است كه در آن، گروه داستان‌هايي كه داراي شخصيت اول كودك يا نوجوان هستند از ديگر گروه‌ها جدا مي‌شوند. همسازي خوانندة كودك و نوجوان با شخصيت اول داستان از نكاتي است كه متخصصان آموزش و پرورش و ادبيات كودكان بر آن اتفاق نظر دارند. در كتاب «گذري در ادبيات كودكان» اين همسازي در گروه‌هاي سني متفاوت به صورت زير بيان شده است: «[كودك در دورة قبل از دسبتان] دوست دارد خودش قهرمان كتاب باشد. و يا قهرمان طوري باشد كه يكي‌شدن با او دشوار نباشد... [نوجوان گروه‌هاي ده و يازده‌ ساله] در جزئيات خلقي شخصيت‌هاي كتاب‌‌ها دقيق‌تر مي‌شوند» (ايمن (آهي)، خمارلو (ميرهادي) و دولت‌آبادي، 1352 ص. 37-34) دقت در جزئيات خلقي شخصيت‌‍‌هاي كتاب‌ها براي سنجش ميزان همسازي شخصيتي خوانندگان با شخصيت‌هاي كتاب‌ها است. اين‌ها نمونه‌هايي از همسازي هستند كه در همة گروه‌هاي مطرح در درس «مواد و خدمات كتابخانه براي كودكان و نوجوانان» وجود دارند، اما محتواي آن‌ها در گروه‌هاي مختلف متفاوت است. تقسيم‌‌بندي داستان‌هاي واقعي به گروه «داستان‌هايي با شخصيت اول كودك يا نوجوان» و «شخصيت‌ اول بزرگسال»، امكانات پرورشي فراواني را در اختيار مرب‍ّيان و كتابداران كودكان و نوجوانان قرار مي‌دهد. همچنين، تقسيم‌بندي گروه داستان‌هاي واقعي كه داراي شخصيت اول كودك يا نوجوان هستند به دو گروه «گذشته» و «حال»، احتمالاً مي‌تواند ميزان اين همسازي را افزايش دهد. كودكان و بويژه نوجوانان خواننده كه مفهوم زمان را بهتر درك كرده‌اند با قهرمان معاصر همسازي بيشتري خواهند داشت.**

**افزون بر پيشنهاد تقسيم‌بندي نوين مطرح در بالا پيشنهادهاي زير نيز ارائه مي‌شود:**

**1. بهتر است نهادهايي مانند «شوراي كتاب كودك» يا «كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان» كه تناسب كتاب را براي/ با گروه سني مخاطب تعيين مي‌كنند با همكاري «سازمان اسناد» و «كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران» در هنگام فهرستنويسي پيش از انتشار كتاب، گروه موضوعي كلي كتاب را نيز تعيين ‌كنند. همان‌گونه كه در بالا مشاهده شد برخي از كتاب‌ها مي‌توانند همزمان به انواع مختلفي از داستان‌هاي واقعي تعل‍ّق داشته باشند و تشخيص متخصصان در اين مورد كه كتاب، بيشتر به كدام گروه تعلق دارد بسيار مهم است. بهتر است كه متخصصان يا نهادهايي مانند «شوراي كتاب كودك» يا «كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان» در اين‌باره تصميم بگيرند كه مثلاً، يك داستان عاشقانة طنزآميز در كجاي پيوستار بين دو انتهاي عشق و طنز قرار مي‌گيرد و به عبارت ديگر آيا داستان، عاشقانه است يا طنزآميز؟ اين تقسيم‌بندي موضوعي مي‌تواند در سياهه‌هاي كتاب‌هاي مناسبي كه از سوي «شوراي كتاب كودك» و «كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان» منتشر مي‌شوند نيز مورد اشاره قرار گيرد.**

**2. در صورتي كه تقسيم‌بندي فوق پذيرفته شود پيشنهاد مي‌شود براي هر يك از اين انواع داستان‌ها، در صورتي كه نام كنوني مناسب به نظر نمي‌رسد نام ديگري انتخاب شود تا بر مبناي همين نام‌هاي جديد نيز بهتر بتوان محتواي اين داستان‌ها را تشخيص داد.**

**3. همچنين از رمزهايي همانند آن‌چه كه براي نشان دادن گروه‌هاي سني مخاطب استفاده مي‌شود براي نشان‌دادن اين تقسيم‌بندي‌هاي موضوعي استفاده گردد. اين رمزها بهتر است در صفحات عنوان كتاب‌هاي كودكان و نوجوان درج شوند تا بتوان به سادگي دربارة موضوع كتاب، تصميم‌گيري نمود.**

**منابع**

**ايمن (آهي)، ليلي؛ خمارلو (ميرهادي)، توران و دولت‌آبادي، مهدخت. گذري در ادبيات كودكان. تهران: شوراي كتاب كودك، 1352.**

**حجازي (فراهاني)، بنفشه. ادبيات كودكان و نوجوانان: ويژگي‌ها و جنبه‌ها. تهران: روشنگران، 1374**